

اعجاز تاریخی قرآن

اخبار به غیب در قرآن

آسمر جعفری

مدرس مراکز تربیت معلم و دبیر دبیرستان های اراک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

«الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله»

قرآن مجید سند حقیقت رسول خدا(ص) و دلیل صحت نبوت اوست. معجزه‌ای است پایا، جهان‌شمول و فراگیر که جنبه‌های اعجازی آن متنوع و گونه‌گون است. در هر عصری، یکی از جلوه‌های آن آشکار و روز به روز بر حقیقت آن افزوده می‌شود. «تحدی قرآن» از عصر نزول تا به امروز بی‌پاسخ مانده است و هیچ‌کس رایارای اجابت

این هم‌اوردخواهی نبوده است؛ اگرچه مختار بودند جن و انس راهم به یاری بطلبند. زیرا قرآن کتابی است برای هدایت تمامی بشر و لذا باید در هم‌راهی گذرگاه تاریخ جاوید و بی‌بدیل بماند.

در این نوشتار، به یکی از جنبه‌های اعجازی قرآن پرداخته شده است. اعجاز تاریخی قرآن که در گذشته به «اخبار غیبی قرآن» مصطلح بوده، از موضوعات بسیار مهم بحث اعجاز است. با بررسی دقیق این وجه از اعجاز قرآن، شکوه آن عمیق‌تر و نمایان‌تر می‌شود.

آغاز نگارش های اعجاز تاریخی قرآن

از آن جا که در این نوشتار بررسی یکی از وجوه اعجاز مدنظر است، لذا از توضیح بیشتر در زمینه‌ی آغاز نگارش های اعجاز قرآن و سیر تطور آن خودداری و فقط اشاره می‌شود که در گام‌های آغازین این گونه نگارش‌ها، آنچه بسیار نمود دارد، بحث و بررسی مؤلفان و اندیشمندان در مورد اعجاز بیانی قرآن و فصاحت و بلاغت بی نظیر آن است و در واقع وجوه دیگر، رفته رفته در میان آثار اسلامی ظهور می‌کنند.

با نگاهی گذرا و اجمالی به کتاب «فکره‌الاعجاز القرآن» حمصی و بررسی سیر این گونه اندیشه‌ها، درمی‌یابیم که اندیشه‌ی اعجاز تاریخی قرآن را نخستین بار نظام در قرن سوم مطرح کرد. او اعجاز قرآن را در دو وجه «صرفه» و «اخبار غیبی» محدود کرد و معتقد بود، قرآن از نظر فصاحت و بلاغت معجزه نیست و اگر خداوند اراده‌ی مردم را از آن باز نداشته بود، بر انجام آن قادر بودند. بعد از او، عیسی بن الرمانی است که اخبار از آینده را از جمله وجوه اعجاز می‌شمرد و بعد از رمانی در قرن پنجم، قاضی عبدالجبار باقلانی این وجه را مطرح می‌کنند [حمصی، ۱۴۰۰ هـ. ق: ۴۲]. باید توضیح داد که اصطلاح اعجاز تاریخی قرآن، اصطلاح جدیدی است و آنچه در گذشته ناظر به این معنا بوده، «اخبار به غیب» است. اما اعجاز قرآن فقط در این وجه خلاصه نمی‌شود، زیرا وقتی از معجزه بودن قرآن سخن می‌گوییم، مراد کل قرآن است، حال آن که آیا ناظر به اعجاز تاریخی قرآن در برخی از سوره‌ها و آیات یافت می‌شود.

اخبار غیبی قرآن

اخبار به غیب در قرآن فراوان به چشم می‌خورد و نگارنده بعد از دقت در تفاسیر آیات ناظر بر اخبار غیبی، تقسیم‌بندی زیر را برای درک بهتر آن انجام داده است:

● بیان سرگذشت و رویدادهای تاریخی امت‌های پیشین.
● اخبار از حوادث آینده (ملاحم).

الف) اخباری که در عصر نزول تحقق یافتند.

ب) اخباری که بعد از عصر نزول تحقق یافتند.

ج) اخباری که هنوز محقق نشده‌اند:

۱. اخبار مربوط به بیان علائم و نشانه‌های قیامت.

۲. وعده‌ی خداوند به جانیشینی صالحان در زمین.

۳. آیات بیان‌کننده‌ی احوال بشر در جهان آخرت.

۴. وعده‌ی مصون ماندن قرآن از تحریف.

● بیان حقایق عالم هستی و معجزات علمی قرآن.

بیان سرگذشت و رویدادهای تاریخی امت‌های پیشین

در قرآن مجید سرگذشت امت‌های پیشین با روش‌های متفاوتی بیان شده است؛ امت‌هایی که صدها، هزاران و بلکه بیشتر پیش از قوم عرب می‌زیسته‌اند. بازگویی سرگذشت آن‌ها - از نخستین آن‌ها یعنی اولین انسان و اولین پیامبر حضرت آدم (ع) - در قرآن کریم به گونه‌ای است که گویا پیامبر اسلام (ص) خود شاهد احوال آن‌ها بوده است و حتی محاورات آن‌ها را به نحو دقیقی بازگو می‌کند.

«قرآن، اهم احوال انبیا و اهم وقایع زمان آن‌ها را از عصر آدم تا خاتم بیان می‌کند. اخباری که در قرآن آمده است، امری عقلی نیست، بلکه متوقف به شنیدن است و شنیدن و نقل کردن نیازمند قرائت و کتابت است، حال آن‌که چنین اخباری بر کسی نازل می‌شود که نه قرائت می‌داند و نه کتابت» [نورسی، ۱۳۷۹ هـ. ق: ۶۶].

بسیاری از قصص قرآن را علمای یهود با مدد از کتب آسمانی خود تصدیق می‌کردند و هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که چنین فردی در چنین جامعه‌ای بتواند، بدون اتکا به نیروی فوق‌بشری به ذکر احوال اصحاب کهف، ذوالقرنین، محاورات خضر (ع) و موسی (ع)، قوم نوح (ع) و بنی اسرائیل، و... بپردازد. خداوند خود در چند موضع به این نکته اشاره می‌کند که این آیات اخبار غیبی هستند که پیش از این، تو و قومت از آن باخبر نبودند:

● «تلك من انباء الغيب نوحيها اليك...» [هود/۴۹].

● «ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك...» [يوسف/۱۰۲].

احصای موارد قصص قرآن و اخبار غیبی آن، کاری است دشوار و خارج از حوصله‌ی این نوشتار، اما برای روشن‌تر شدن مطلب به ذکر دو نمونه می‌پردازیم:

۱. در قرآن کریم سوره‌ای به نام «سبأ» آمده است که در پاره‌ای از آیات آن به ذکر احوال قومی به همین نام می‌پردازد: «لقد كان لسبأ في مسكنهم آية جتان عن يمين و شمال... فاعرضوا فارسلنا عليهم سيل العرم و بدلناهم ببجنهم جنتين...» [سبأ/۱۵-۱۶]:

«در این آیات داستان قوم سبأ آمده است و مدت‌ها بود که مورخان جهان از وجود چنین تمدن و قومی اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. جالب این‌که مورخان قبل از

اکتشافات جدید، سیبا را شخصی فرضی می دانستند که پدر مؤسس دولت «حمیر» بود. در حالی که در قرآن سوره ای به نام این قوم آمده و به یکی از مظاهر تمدن آن‌ها که بنای سد تاریخی «مأرب» است، اشاره می کند. اما پس از کشف آثار تاریخی این قوم در یمن، عقیده‌ی دانشمندان عوض شد.

این که آثار تمدن سیبا تا این اواخر استخراج نشده بود، دو علت داشت: صعوبت راه و گرمای شدید هوا و بدبینی سکنه‌ی این نواحی نسبت به بیگانگان که اروپاییان ناآگاه و بی خبر، گاهی از آن به توحش تعبیر می کردند. سرانجام، عده‌ی معدودی از باستان شناسان به خاطر علاقه‌ی شدیدی که نسبت به کشف آثار سیبا داشتند، توانستند به قلب شهر مأرب و نواحی آن وارد شوند و از آثار و خطوط و نقوش فراوانی که روی سنگ‌ها ثبت شده بودند، نمونه برداری کنند. از آن پس گروه‌هایی پشت سر هم در قرن ۱۹ میلادی به آن‌جا راه یافتند و آثار گران‌بهایی از آن‌جا با خود به اروپا بردند. از مجموعه‌ی این نقوش و خطوط و آثار دیگر که به هزار نقش بالغ می شود، به جزئیات تمدن این قوم و حتی تاریخ بنای سد مأرب و خصوصیات دیگر آن‌ها پی بردند. به این ترتیب برای غربیان ثابت شد که آن‌چه قرآن در این زمینه بیان کرده است، افسانه نیست، بلکه یک واقعیت تاریخی است که آن‌ها از آن بی خبر بودند. امروزه توانسته‌اند، نقشه‌هایی را از این سد عظیم و محل عبور آب و مجاری باغستان‌های سمت چپ و راست آن تنظیم کنند» [شورای نویسندگان، ۱۳۶۷ هـ. ش، ج ۱۸: تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی سیبا].

۲. هنگام مطالعه‌ی داستان‌های حضرت موسی (ع) و حضرت یوسف (ع) با این مسئله مواجه می شویم که در قرآن برای فرمانروای زمان حضرت یوسف (ع) کلمه‌ی «ملک» را به کار برده است: «و قال الملک ائتونی...» [یوسف/ ۱۲]. و در مقابل، برای فرمانروای زمان حضرت موسی (ع) عنوان «فرعون» را به کار برده است.

اسناد تاریخی موجود امروز نشان می دهد که کلمه‌ی فرعون در اصل نامی برای سلسله‌ی مصر باستان بوده و به مقام پادشاهی اطلاق می شده است و فرمانروایان سلسله‌های قدیمی این عنوان را به کار نمی بردند. کلمه‌ی فرعون تا آغاز «عصر سلطنت جدید» در تاریخ مصر برای فرمانروایان به کار نمی رفت. این عصر با سلسله‌های هجدهم (۱۲۹۲-۱۳۵۲ قبل از میلاد) و بیستم

(۷۳۰-۹۵۴ قبل از میلاد) آغاز و کلمه‌ی فرعون در همین زمان برای احترام به کار گرفته شد. لذا اعجاز قرآن بار دیگر در این جا آشکار می شود.

یوسف (ع) در دوره‌ی پادشاهی قدیم زندگی می کرد و به این ترتیب برای فرمانروای مصر به جای فرعون، کلمه‌ی ملک به کار رفته است. همین طور چون حضرت موسی (ع) در زمان پادشاهی جدید زندگی می کرد، فرمانروای مصر با لفظ فرعون خطاب می شد. شکی نیست که باید از تاریخ مصر آگاهی داشت تا چنین تمایزی را قائل شد. با وجود این، تاریخ مصر باستان تا قرن چهارم کاملاً فراموش شده بود، چون خط تصویری قابل درک نبود و تا قرن نوزدهم معنی این خطوط کشف نشد. بنابراین از زمانی که قرآن نازل شد تا دوران معاصر، دانش دقیق و کاملی از تاریخ مصر در دست نبود. این حقیقت باز یکی از شواهد بی شمار این امر است که قرآن کلام خداست [یحیی، ۱۳۸۴ هـ. ش: ۸۲].

اخبار از حوادث آینده (ملاحم)

پیشگویی حوادث آینده از جمله مسائل مهم و قابل توجه است که انسان‌ها همواره به آن علاقه مند بوده‌اند و کوشیده‌اند به هر طریق ممکن، پرده‌ای از پرده‌های عالم غیب را کنار بزنند و به راز بسیاری از مجهولات خویش دست یابند. وجود کاهنان، ساحران و رمالان در طول تاریخ، نشان‌دهنده‌ی این علاقه و اشتیاق درونی انسان‌هاست. اما پیشگویی‌های این قبیل افراد و نوع بشر در مورد حوادث آینده با شکست روبه‌رو بوده است. اطلاع یافتن از زمان و عصری که هنوز درک نشده است، مستلزم آگاهی داشتن از عالم غیب و شهادت داناست. این علم فقط در انحصار اوست و تنها او می تواند از هزاران سال آینده‌ی بشری با قاطعیت خبر دهد. البته پیشگویی‌هایی که گاه از انبیا، اولیا، و ائمه رسیده است، منافاتی با این موضوع ندارد. زیرا خداوند از علم خود به هر کس که بخواهد به اندازه‌ی شایستگی‌هایش عطا می کند و لذا می بینیم که گاهی این نوع افراد می توانند به اذن الهی موج کوچکی از اقیانوس پرتلاطم حوادث آینده را بازگو کنند.

عصر نزول قرآن، عصر تهی از علم و دانش بود و در چنی فضای، قرآن بر زبان رسول الله (ص) جاری میشد. به علاوه، پاره‌ای از آیات، با صراحت و قاطعیت، خبر از حوادثی در آینده می دهند. آنان که به او ایمان آورده‌اند و

پروردگار خود را به علم ازلی و صدق وعده‌هایش شناخته‌اند، در انتظار محقق شدن پیشگویی‌های قرآن می‌نشینند و آنان که همواره در برابر حق سرکشی و عناد کرده‌اند، به استهزا می‌پردازند و آن را باطل می‌انگارند. اما در همان عصر نزول، بسیاری از اخبار غیبی قرآن به وقوع پیوستند و مسلمانان در دین خود راسخ‌تر و ملحدان و معاندان خوار و زیون گشتند. بنابراین، همان‌طور که قبلاً گفته شد، می‌توان اخبار از حوادث آینده در قرآن را به چند بخش تقسیم کرد:

الف) اخباری که در عصر نزول تحقق یافتند.

ب) اخباری که بعد از عصر نزول تحقق یافتند.

ج) اخباری که هنوز محقق نشده‌اند (و خود به بخش‌هایی تقسیم می‌شوند).

الف) اخباری که در عصر نزول تحقق یافتند

۱. «الم، غلبت الروم، فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون، فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المؤمنون، بنصر الله ینصر من یشأ و هو العزیز الرحیم» [روم/ ۵۱]. این آیات از روشن‌ترین مصادیق اعجاز غیبی قرآن هستند که صدق آن‌ها در همان عصر نزول بر همگان آشکار شد.

«در قرن هفتم میلادی جهان شاهد دو امپراتوری بزرگ و مقتدر در کناره‌های جزیره‌العرب و اطراف بین‌النهرین بود: امپراتوری ایران و امپراتوری روم یا بیزانس. میان این دو ابرقدرت هرچند سال جنگ‌های خونینی بر سر تصرف بعضی از مستعمرات در می‌گرفت و مردم هر دو دولت متحمل خسارت‌های سنگین می‌شدند. تا این‌که در سال ۶۰۴ میلادی، خسرو پرویز با لشکری عظیم به روم حمله کرد و بعد از جنگی طولانی میان ایران و روم، در نهایت پیروزی عظیمی نصیب خسرو پرویز شد» [جعفری، بی‌تا: ۱۶۵].

بعد از شکست سهمگین رومیان، هنگامی که این خبر به مکه رسید، مسلمانان غمناک شدند و مشرکین شادمان. زیرا ایرانیان مجوسی بودند و رومیان مسیحی و مشرکان این شکست را در واقع شکست دین از ناحیه‌ی شرک می‌دانستند. در نتیجه این را به فال نیک گرفتند و شکست اسلام را نیز پیش‌بینی کردند. این امر بر مسلمانان گران آمد تا این‌که آیات فوق نازل شد و قاطعانه وعده داد که به زودی ایرانیان مغلوب رومیان خواهند شد. در شرایطی که

روم در نهایت ضعیف و ایران در اوج قدرت بود، طبق معادلات سیاسی و امور ظاهری، چنین پیروزی برای رومیان امکان‌ناداشت و این پیش‌بینی با توجه به شرایط دو امپراتوری ظاهراً منطقی به نظر نمی‌رسید. اما مسلمانان که می‌دانستند این کلام خداوندی است که علم بی‌پایان دارد، شادمان شدند و حتی بر سر این مورد با مشرکان شرط‌بندی کردند.

این وعده‌ی الهی به قدری قاطع و دقیق بود که حتی حدود سال‌های غلبه‌ی رومیان نیز تعیین شده بود. زیرا مفهوم «بضع» کمتر از نه و بیشتر از سه سال را شامل می‌شود. در ادامه می‌فرماید که آن روز مؤمنان به نصرت الهی شادمان می‌شوند. مفسران، این شادمانی را به خاطر پیروزی می‌دانند که مقارن با پیروزی روم نصیب مؤمنان می‌شود (بدر یا صلح حدیبیه). تاریخ شهادت می‌دهد که کمتر از نه سال بعد از این وعده‌ی الهی، رومیان در نبرد دیگری ایرانیان را شکست دادند و مسلمانان نیز در نبرد جدیدی در همان زمان، با پیروزی بدر (یا صلح حدیبیه) بر مشرکین غلبه کردند. بنابراین می‌توان گفت، در این آیات سه خبر غیبی نهفته است: خبر دادن از اصل غلبه‌ی رومیان در آینده، زمان این غلبه، و وعده‌ی نصرت به مسلمانان مقارن با پیروزی رومیان [زمخشری، ۱۴۱۶ هـ. ق: ذیل سوره‌ی مبارکه‌ی نمونه].

۲. «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد...» [قصص/ ۸۵]: «خداوندی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به منزلت و جایگاهت برمی‌گرداند.»
«خداوند در آیه‌ی فوق به پیامبر وعده‌ی بازگشت به مکه را می‌دهد و این که معاد را نکرده آورده است، می‌رساند که آن روز و آن بازگشت، بازگشت خاصی است و معادی است عظیم، همراه با غلبه‌ی رسول خدا بر اهل مکه و عزت اسلام و ذلت کفار. این آیه در حین مهاجرت پیامبر از مکه نازل شد و تاریخ اسلام نشان می‌دهد که هنگام نزول این آیه، مسلمانان در بدترین شرایط جنگی و قوایی بودند و بازگشت پیروزمندانه‌ی آن‌ها بعید به نظر می‌رسید. اما طبق وعده‌ی الهی، پس از هشت سال، مسلمانان با لشکری عظیم بدون جنگ و خون‌ریزی وارد مکه شدند و خانه‌ی خدا را از بت‌ها پاک ساختند. چنین شد که وعده‌ی الهی محقق گشت و لذا پیامبر (ص) به هنگام وارد شدن به مسجد الحرام، به عنوان شکرگزاری چنین گفتند: الحمد لله الذی صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب

وحده» [زمخشری، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۳: ۴۳۶].

۳. «لقد صدق الله رسوله الرؤء يا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنين محلقين رؤسكم و مقصرين لا تخافون» [فتح/ ۲۷].

علامه طباطبائی در «المیزان»، ذیل این آیه می نویسد: «معنای آیه این است که سوگند می خورم، خداوند آن رویایی را که قبلاً نشانت داده بود، تصدیق کرد. و آن رویا این بود که به زودی شما ای مؤمنان، داخل مسجدالحرام خواهید شد؛ ان شاء الله در حالی که از مشرکین ایمن باشید و سرها را تراشید و تقصیر کنید.

در ادامه می فرماید: **فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قریباً**: خداوند از مصالح داخل مسجد شدنتان چیزهایی می دانست که شما نمی دانستید. به همین دلیل برای شما فتحی قریب قرار داد تا داخل شدن شما به این وضع میسر شود. از این معنا روشن می شود که مراد از فتح قریب در این آیه، فتح حدیبیه است. چون این فتح بود که راه را برای داخل شدن مؤمنین به مسجدالحرام با کمال ایمنی فراهم کرد و سیاق آیه هم این معنا را تأیید می کند. زیرا پیامبر خواب دیده بود که وارد مسجدالحرام می شوند، در حالی که تقصیر می کنند و مسلمانان خیال می کردند، این خواب پیامبر در همان سال محقق می شود. چون به قصد مکه حرکت کردند و مشرکین جلوی آن‌ها را گرفتند و بازگشتند، دچار تردید شدند و خداوند با این آیه، شک و تردید آن‌ها را زایل کرد.

حاصل آیه این است که آن رویای حقی که خدا به رسولش نشان داد، درست بود و رویای صادقه‌ای بود. لیکن داخل شدن شما در مسجدالحرام و تقصیر کردنتان را به عقب انداخت تا فتح حدیبیه را نصیب شما کند و شما به راحتی داخل مسجدالحرام شوید. چون خداوند می دانست در همان سالی که رویا را نشان داد، نمی توانستید بدون ترس وارد مسجدالحرام شوید» [علامه طباطبائی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۱۸: ۴۳۳].

و بدین سان این وعده‌ی الهی نیز در سال بعد محقق شد.

۴. «سقولون لك المخلفون من الاعراب شغلنا اموالنا و اهلونا...» [فتح/ ۱۱-۱۵]. «وعدكم الله مغانم كثيرة تأخذونها فجعل لكم هذه...» [فتح/ ۲۱].

صاحب «مجمع البیان» شرح کامل داستان حدیبیه و فتح خیبر را ذیل این آیات چنین آورده است: «خداوند در

این آیات وعده می دهد که شما به زودی روانه‌ی جنگ می شوید و در آن غنیمت‌های زیادی به دست می آورید. آن وقت آن‌ها که تخلف کرده‌اند، پشیمان خواهند شد و درخواست اجازه‌ی حضور می نمایند. این جنگ، جنگ خیبر است که رسول خدا و مؤمنین از خود گذشتند و آن را فتح کردند و غنیمت‌هایی هم گرفتند» [طبرسی، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۹ و ۱۰: ۱۴۷].

۵. «تبت يدا ابي لهب و تب، ما اغني عنه ماله و ما كسب...»

«در آیات مبارکه‌ی این سوره دو خبر به غیب مسلم است:

الف) این که ابولهب و زنش که ام‌جمیل باشد، بدون این که مسلمان شوند، با این حالت کفر از دنیا می روند که مستوجب احتراق به آتش است.

ب) خبر دیگر که به واسطه‌ی قراین فهمیده می شود، چنین است که از این دو نفر دیگر به شما صدمه‌ای نمی رسد و دست آن‌ها از صدمه زدن به شما بریده شد، زیرا اگر باز هم از آن‌ها برمی آمد که صدمه بزنند، می زدند و مخالفین این مطالب را بر رد قرآن استدلال می کردند. علاوه بر آن، در تواریخ هیچ مضبوط نیست که پس از آن، صدمه‌ای از این دو به وجود مبارک پیغمبر رسیده باشد. در چند کتاب تاریخی آمده است که چون ام‌جمیل سوره‌ی تبت را شنید، به طرف حضرت رسول (ص) آمد و خواست ایشان را با سنگ بزرگی بکوبد. پیغمبر در مسجدالحرام نزد ابوبکر نشست. ام‌جمیل به قدرت حق متعال پیامبر (ص) را ندید، فقط ابوبکر را دید و شعری در ذم ایشان خواند. پس از آن رفت. پیغمبر (ص) فرمود: خداوند دید او را نسبت به من گرفت» [سیره‌ی ابن هشام: ۳۸۷].

۶. «قل للذين كفروا ستغلبون و تحشرون الى جهنم و بس المهاد» [آل عمران/ ۱۲].

«در شأن نزول این آیه گفته شده است که بعد از جنگ بدر و پیروزی مسلمانان، عده‌ای از یهود گفتند: این پیامبر امی که موسی ما را به آن بشارت داده است و ما در کتابمان وصف او را خوانده‌ایم که مغلوب نمی شود، همین پیامبر است؟ و عده‌ی دیگری گفتند: عجله نکنید و منتظر واقعه‌ی دیگری باشید. هنگامی که جنگ احد پیش آمد و مسلمانان شکست خوردند، به رسول خدا (ص) شک کردند و گفتند: نه به خدا قسم این پیامبر بشارت داده شده نیست و نه تنها مسلمان نشدند، بلکه عهد و پیمانی را هم

که بین آن‌ها و پیامبر بود، شکستند» [طبرسی، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۲: ۵۳۲].

در تفسیر نمونه آمده است: «طولی نکشید که مضمون آیه تحقق یافت و یهودیان بنی قریظه و بنی نظیر درهم شکسته شدند و در غزوه‌ی خیبر، مهم‌ترین مرکز قدرت آن‌ها از هم متلاشی شد و مشرکان نیز برای همیشه در فتح مکه مغلوب شدند.»

در شرایطی که مسلمانان بعد از جنگ احد در وضعیت بدی به سر می‌بردند، چنین خبر صریحی از آینده و شکست کفار و یهود، جز از راه غیب ممکن نبود.

آیاتی که دلالت بر خبری در آینده می‌کند و در همان عصر نزول هم محقق شدند، بسیار فراوان اند و ذکر چند مورد فوق برای اثبات این جنبه‌ی اعجازی قرآن کفایت می‌کند. ولیکن ذکر تعداد دیگری از این آیات به طور فهرست‌وار خالی از لطف نخواهد بود:

۷. «سپهزم الجمع و یولون الدبر» [قمر/ ۴۵]. خطاب به مشرکان مکه است که به قدرت و جمعیت خود مغرور بودند و وعده می‌دهد که به زودی جمع آن‌ها متلاشی می‌شود و فرار خواهند کرد و چنین نیز شد.

۸. «و قالت طائفة من اهل الكتاب آمنوا بالذی انزل علی الذین آمنوا وجه النهار... ولا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم» [آل عمران/ ۷۴-۷۳]. در این آیات پرده از روی اسرار یهود و دشمنان اسلام برداشته و نقشه‌های ماهرانه‌ی آن‌ها برای متزلزل ساختن مسلمانان صدر اول، فاش می‌شود که در پرتوی آن، بیدار شدند و از وسوسه‌های اغواگر دشمنان برحذر گردیدند.

۹. «فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فانقوا النار...» [بقره/ ۲۴]. مشرکان را به تحدی فرامی‌خواند و وعده می‌دهد که شما هرگز نخواهید توانست همانند قرآن بیاورید. کم‌این‌که در آیات دیگر می‌فرماید، حتی اگر تمام جن و انس را به یاری فراخوانید، قادر نخواهید بود و می‌بینیم که تا به امروز این وعده‌ی الهی پابرجاست و هیچ احدی قادر به آوردن حتی یک سوره هم نشده است.

۱۰. «یا ایها الرسول بلغ... واللّه یعصمک من الناس» [مائده/ ۶۷]. همان‌طور که وعده داده بود، پیامبر را از هر گزند و آسیبی از ناحیه‌ی دشمنان حفظ کرد.

ب) اخباری که بعد از عصر نزول تحقق یافتند

۱. «انا اعطیناک الکویت، فصل لربک وانحر، ان

شانک هو الابر» . کوثر معانی و سیمی دارد، اما روشن‌ترین مصداق آن، همان‌طور که علمای شیعه و بعضی از عامه گفته‌اند، وجود مبارک حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) است که نسل و ذریه‌ی پیامبر از ناحیه‌ی دختر گرامی او در جهان منتشر شد؛ به طوری که امروز با وجود این‌که ۱۴۰۰ سال از زمان آن حضرت می‌گذرد، هزاران هزار نفر از فرزندان فاطمه در سراسر جهان پخش شده‌اند. از آن سو نیز دشمنان حضرت چنان نابود شده‌اند که امروز اثری از آن‌ها باقی نیست. در خاطره‌ی تاریخ محو شده‌اند و دیگر از آن جمعیت فراوان و اولاد کثیر آن‌ها در زمان پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) خبری نیست. این حقیقت را عده‌ای از علمای اهل تسنن نیز پذیرفته‌اند؛ از جمله فخر رازی که صریحاً به آن اعتراف می‌کند.^۱

این اخبار غیبی خداوند بعد از عصر نزول تحقق یافت و با این‌که در زمان ائمه (ع) قبایل بنی امیه و بنی عباس رو به گسترش بودند و از آن سو، اولاد علی (ع) و فاطمه (ع) را از دم تیغ می‌گذراندند، اما چیزی نگذشت که وعده‌ی حق تحقق یافت و امروز نام فاطمه (س) و فرزندانش بر تارک تاریخ می‌درخشد.

۲. «و اذن تاذن ربک لیبعثن علیهم الی یوم القیامه من یسومهم سوء العذاب ان ربک لسریع العقاب و انه لغفور رحیم» [اعراف/ ۱۶۷]: «یعنی ای پیامبر به یاد بیاور که از علم خدا گذشته که برای کیفر بنی اسرائیل، تا روز قیامت کسی را بر آن‌ها مسلط خواهد کرد تا به بدترین وجهی آن‌ها را عذاب کند. تاریخ نکبت بار یهود بنی اسرائیل و توسری‌ها و آوارگی‌هایی که به دست صدها کشورگشا در طول تاریخ به آن‌ها تحمیل شده است، این آسودگی خاطر را می‌دهد که وجود کنونی آن‌ها در فلسطین و کوشش آن‌ها برای ایجاد یک وطن و سرزمین ملی، از راه تعدی و تجاوز، موقت است و دوام چندانی نخواهد داشت. طبق مفاد آیه‌ی شریفه، عذاب و دربه‌دوری بنی اسرائیل تا روز قیامت ملازم آن‌ها خواهد بود و این حقیقتی است که تاریخ به آن گواهی می‌دهد و از این‌که تا مدت طولانی بعد از ظهور اسلام ادامه داشته، نشان می‌دهد که این یکی از پیشگویی‌هایی است که بشر از آن عاجز است...» [طباره، بی‌تا: ۲۴۱].

۳. «... و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیامه...» [آل عمران/ ۵۵]. «این قسمت از آیه وعده‌ای است از خداوند به عیسی (علیه‌السلام) که به زودی

عامه ناگزیر به توجهات متناقض ذیل این آیه پرداخته‌اند و سعی در پوشاندن حقیقت می‌کنند. بیان دیدگاه‌های آن‌ها و پاسخ متین و همراه با استدلال به توجهات غلط این دسته از مفسران، به روشنی و دقت ذیل همین آیه در «تفسیر المیزان» آمده است.

ج) اخباری که هنوز محقق نشده‌اند

۱. اخبار مربوط به بیان نشانه‌ها و علائم قیامت در قرآن مجید به دسته‌ی دیگری از اخبار غیبی برمی‌خوریم که تا به امروز تحقق نیافته‌اند و زمانی هم برای وقوع آن‌ها معین نشده است و قطعاً آیندگان تفسیر این دسته آیات را بهتر درک خواهند کرد.

حال اگر سؤال بشود که چگونه از چنین اخباری که هنوز به وقوع نپیوسته‌اند، اعجاز تاریخی قرآن اثبات می‌شود، باید پاسخ داد در مطالب گذشته، موارد زیادی از اخبار غیبی قرآن را بیان کردیم که یک به یک تحقق یافته‌اند و غیبی بودن آن اخبار بر همگان ثابت شده است. از آن‌جا که برای این دسته آیات زمانی مشخص نشده است،

پيروانش بر مخالفین کافر به نبوتش تفوق پیدا می‌کنند و این تفوق تا روز قیامت ادامه خواهد داشت (و مراد از کافران به نبوت یهود است). مراد آیه‌ی شریفه این است که خدای تعالی نصاری را (آن‌ها که به عیسی ایمان داشتند)، بر یهود (آن‌ها که نیاکانشان به عیسی کافر شدند)، تفوق خواهد داد و غرض در این مقام، بیان این معناست که سخط الهی و عذاب او بر قوم یهود نازل خواهد شد و عذاب و مکر الهی بر آن‌ها شدت خواهد گرفت. آیه‌ی شریفه می‌خواهد خیر دهد به این که یهود تا روز قیامت توسری خور و ذلیل هر کسی است که معتقد باشد پیروی از عیسی واجب است» [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۳: ۳۲۷].

«این بشارتی است که خداوند به مسیح و پیروان او داد تا مایه‌ی دلگرمی آنان در مسیری شود که انتخاب کرده‌اند. در واقع این آیه یکی از اعجاز‌آمیز و پیشگویی‌های غیبی قرآن است و هم‌اکنون نیز در دنیای امروز این حقیقت را شاهدیم که یهود و صهیونیست‌ها بدون وابستگی و اتکا به مسیحیان نمی‌توانند حتی یک روز به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند» [شورای نویسندگان، ۱۳۶۷ هـ. ش، ج ۲: ۴۳۲].

و روشن است که سیادت و سروری امروز یهود در فلسطین جز با کمک و حمایت کشورهای غربی نبوده و اسرائیل کنونی بازبچه‌ی دست کشورهای قدرتمند است و از سوی دیگر، مسیحیان از نظر افراد و قوا بر یهود برترند.

۴. «و اذ قلنا لک ان ربک احاط بالناس و ما جعلنا الرویا...» [اسری / ۶۰]. خداوند در این آیه به پیامبر می‌فرماید: آن شجره‌ی ملعونه‌ای را که در خواب به تو نشان دادیم، برای فتنه و آزمایش مردم است. در این که مراد از این رویا و شجره چیست، بین مفسران اختلاف است. اما آن‌چه از نظر علمای شیعه قطعیت دارد، این است که پیامبر (ص) در خواب بنی‌امیه را دیدند که چون میمون‌ها بر منبر آن حضرت جست و خیز می‌کردند. بعد از این خواب پیامبر (ص) را همواره اندوهگین می‌دیدند. این آیه قطعاً ناظر به همین معناست و خبر از به حکومت رسیدن بنی‌امیه و در دست گرفتن منابر اسلام توسط آن‌ها می‌دهد. دیری بعد از پیامبر (ص) نپایید که بنی‌امیه سرکار آمدند و اسلام تا به امروز از این حکومت نابه‌حق ضربه می‌خورد. مفسران

می‌توان به‌طور قطع حکم داد همان‌طور که سایر آیات گذشته محقق شدند، این گروه از آیات نیز قطعاً و جزماً به وقوع خواهند پیوست و اسلام در انتظار تحقق وعده‌های الهی است.

در بسیاری از آیات، قرآن به تشریح نشانه‌های وقوع قیامت می‌پردازد و احوال مخلوقات را در آن روز ترسیم می‌کند. این دسته آیات که در قرآن نیز فراوان به چشم می‌خورند، به‌طور حتم از جمله اخبار غیبی قرآن هستند که در زمان معین خویش محقق خواهند شد. خبر دادن از وضعیت زمین، آسمان، کوه‌ها، ستارگان، دریاها، مردگان و... از ناحیه‌ی خداوند صادر شده که دارای علم ابدی و بی‌پایان است و خود در آن روز مالک همه چیز و همه کس است و مؤمنان و منکران تحقق وعده‌هایش را نظاره خواهند کرد.

در این جاتنها به ذکر نمونه‌ای می‌پردازیم که یکی از نشانه‌های قیامت است و خداوند در ایسن آیه علامت

مهمی از آن روز را نشان می‌دهد: «حتی اذا فتحت یاجوج و ماجوج و هم من کل حدیب ینسلون» [انبیاء/۹۶]. «با توجه به سیاق آیات قبل، معنای آیه این است که مدام امر به همین منوال جریان دارد. یعنی اعمال صالح مؤمنان را می‌نویسیم و قرأ ظالمه را هلاک می‌کنیم تا آن روزی که راه بسته‌ی یاجوج و ماجوج و سد آن‌ها گشوده شود؛ یعنی یاجوج و ماجوج از بلندی‌های زمین با سرعت به سوی مردم ستازند و این خود یکی از علامت‌های قیامت است» [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۱۴: ۴۶۰].

در مورد قوم یاجوج و ماجوج در سوره‌ی کهف به آیتی برمی‌خوریم که از این قوم نام برده است و ذوالقرنین در مقابل ظلم‌های این قوم، سدی آهنین و محکم می‌سازد. طبق این آیه، در آخر زمان این قوم خروج و در زمین افساد می‌کنند. در مورد این که سد مذکور اکنون کجاست و یاجوج و ماجوج چه قومی بودند و در کجا زندگی می‌کردند، علامه طباطبایی ذیل آیات ۹۸-۹۳ از سوره‌ی کهف به بررسی دقیق و کارشناسانه‌ای پرداخته است و در همان سوره نیز خداوند وعده‌ی خرد کردن این سد را در نزدیکی‌های قیامت می‌دهد. این از ملاحم و پیشگویی‌های قرآن است [شورای نویسندگان، ۱۳۶۷ هـ. ش، ج ۱۴: ۴۶۰].

۲. وعده‌ی خداوند به جانشینی صالحان بر

زمین

در قرآن کریم به آیاتی برمی‌خوریم که حوادث آینده‌ی زمین را پیشگویی می‌کنند و وعده می‌دهند که دین اسلام بر سایر ادیان غلبه خواهد کرد و صالحان و مؤمنان وارث زمین می‌شوند:



● سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف / ۱۳۷

- سوره‌ی مبارکه‌ی انبیا / ۱۰۵

- سوره‌ی مبارکه‌ی نور / ۵۵

- سوره‌ی مبارکه‌ی قصص / ۵

آیات فوق همگی دلالت بر این دارند که آینده‌ی زمین از آن صالحان است و در روایات رسیده از طرق عامه و خاصه آمده است، این آیات در مورد قائم (عج) و اصحاب اوست. از جمله، روایت معروفی از پیامبر که می‌فرماید: اگر از دنیا یک روز باقی بماند، خداوند آن یک روز را به قدری طولانی می‌کند تا قائم آل من ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر نماید، در حالی که از فسق و ظلم پر شده است.

- هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون [توبه / ۳۳]. این آیه نیز در سیاق همان آیات فوق است و وعده می‌دهد، اسلام بر تمامی ادیان غالب خواهد شد و هر فتنه‌ای هم که به پا شود، در نهایت به سود اسلام است و در تفسیر المیزان به نقل از تفسیر برهان از صدوق آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «به خدا سوگند، هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آن که قائم خروج کند. وقتی او خروج کند، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی باقی نخواهد ماند، مگر این که از خسروج آن جناب نسا راحت می‌شود» [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۹: ۳۴۰].

- یا ایها الذین امنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّٰه بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین اعزة علی الکافرین... [مائده / ۵۴].
- «فان یکفر بها هولاً فقد وکلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین» [انعام / ۸۹].

آیات فوق نیز در حقیقت پیشگویی تاریخی است و به مردم سست ایمان که محبت غیرخدا را بر خدا ترجیح دادند، وعده می‌دهد که در مقابل این سستی شما، به زودی قومی را می‌آورم که آن‌ها را دوست می‌دارم و آن‌ها نیز خداوند را دوست دارند؛ مردمی که در راه خدا جهاد می‌کنند و از اطاعت پروا ندارند. مفسران در مصداق این قوم بحث کردند و شیخ طبرسی در مجمع البیان، با استناد به روایاتی، آن را ناظر به علی (ع)، سلمان و مقداد می‌داند و علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «در این که حضرت علی (ع) روشن‌ترین مصداق برای این آیه و اوصاف مذکور در آیه است، شکی نیست. ولیکن بحث در این است که

آیا این آیه با همه‌ی اطرافیان و اصحاب آن جناب که در صفین و جمل در رکاب آن حضرت بودند، تطبیق می‌کند یا خیر؟ (با توجه به این که مراد از قوم یک نفر و دو نفر نیست، بلکه گروهی است که به صورت دسته جمعی می‌آیند)، چون بسیاری از اصحاب آن حضرت وضع را دگرگون کردند و اگر این آیه شریفه شامل همه‌ی آن‌ها می‌بود، باید آن افراد را استثنا می‌کرد [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۵: ۳۹۰] و لذا مصداق آیه تا به امروز محقق نشده است.

- «سریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم...» [فصلت / ۵۳]: در این آیه، خداوند وعده می‌دهد که خدای سبحان به زودی آیاتی در آفاق و در نفس خود بشر نشان می‌دهد تا برای همه روشن شود که قرآن حق است. ذیل این آیه نیز مفسران چند احتمال داده‌اند که یکی از آن‌ها این است: «این آیه نیز در سیاق همان آیاتی است که وعده می‌دهد، دین خود را بر همه‌ی ادیان غلبه می‌دهد، به طوری که دیگر روی زمین غیر از خدای یگانه پرستش نشود و همای سعادت بر سر تمامی افراد نوع بشر بال بگستراند که رسیدن چنین روزی غایت و هدف از خلقت بشر است» [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۱۷: ۶۱۳].

۳. آیات بیان‌کننده‌ی احوال بشر در عالم برزخ و نیز جهان آخرت

طبق این دسته‌بندی می‌توان آیاتی را نیز که به احوالات بشر در عالم آخرت ناظر است، در زمره‌ی آیات غیبی قرآن دانست و یقین کرد، همان‌گونه که سایر وعده‌های الهی محقق شده‌اند، این وعده‌ها نیز تحقق خواهند یافت و مؤمنان و کافران، صالحان و فاجران، و نیکان و بدان، به جزای خود خواهند رسید. خداوند در ذیل بسیاری از این دسته آیات تأکید می‌کند که وعده‌های الهی حق است. تعداد این آیات در قرآن فراوان است و با مراجعه‌ای هرچند اجمالی به قرآن، می‌توان به بسیاری از آن‌ها دست یافت [نورسی، ۱۳۷۹ هـ. ق: ۶۷].

۴. وعده‌ی مصون ماندن قرآن از تحریف

قرآن در پاره‌ای آیات، به حق بودن کلام خود تأکید می‌کند و وعده می‌دهد، چون این کلام از ناحیه‌ی خداوند است، خود آن را حفظ خواهد کرد و هرگز کلام غیرخدا بر آن راه نخواهد یافت و بقای معارف عمیق قرآن را تا همواره‌ی

تاریخ با قاطعیت تضمین کرده است، زیرا اولاً این قرآن برای تمام نسل هاست و ثانیاً مبتنی بر توحید فطری است و بر اساس قوانین فطرت استوار شده و همان گونه که فطرت تغییرناپذیر است، کلام الهی نیز که بر آن اساس است، تغییر نخواهد یافت و امروز ما می بینیم، قرآن با وجود گذشتن چهارده قرن از نزولش، بی هیچ تغییر و تحریفی در میان مسلمانان مانده است و این وعده الهی تا انتهای تاریخ باقی است.

از جمله آیات دلالت کننده بر این موضوع، می توان به دو مورد مهم اشاره کرد:

۱. «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» [حجر/ ۹].

۲. «لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم مجید» [فصلت/ ۴۲].

۳. بیان حقایق عالم هستی و معجزات علمی قرآن

از دیگر وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمی است که در قرن چهاردهم و در عصر ما مفسران به آن پرداختند و تفاسیر این قرن، خالی از بیان آیات علمی خداوند نیست و حتی عده ای در علمی نگری به آیات قرآن، به حدی افراط کردند که قرآن را فقط از این دریچه می دیدند و تفاسیرشان، تفاسیر علمی محض است. تردیدی نیست، قرآن حقایقی را از هستی و رموز کائنات بیان کرده است که در عصر نزول بر همگان پوشیده بودند و امروز با پیشرفت علم و دانش، جنبه هایی از این آیات الهی و کشف مجهولات عالم هستی در چهارده قرن پیش توسط قرآن آشکار می شوند. این آیات، علاوه بر آن که از اعجاز علمی قرآن خبر می دهند و معمولاً در همین مبحث نیز بررسی می شوند، به نوعی اعجاز تاریخی قرآن را نیز اثبات می کنند. زیرا نشان می دهند در عصری که از علم و دانش خبری نبوده است، حقایق ژرف و عمیق و بهت آور از اسرار کائنات بر زبان پیامبری امی نازل می شود که بشر این عصر با مدد گرفتن از علم و دانش وسیع و ابزار و وسائل علمی فراوان توانسته است، گوشه ای از آن حقایق را ثابت کند و به کشف پاره ای از مجهولات جهان ناائل شود. این که قرآن در آن شرایط با قاطعیت پرده از اسرار هستی برمی دارد، نشان دهنده ای این واقعیت است که این آیات جز از راه غیب امکان صدور ندارند و دلیلی است بر صحت نبوت پیامبر (ص) و در نوع

خود اخباری است غیبی.

دامنه ای این آیات بسیار وسیع و گسترده است و از آن جا که در بحث اعجاز علمی به آن پرداخته شده است و اغلب این آیات در گروه اعجاز علمی بحث می شوند و کتاب ها در این مورد فراوان به تألیف رسیده اند، از بسط بیشتر این بحث خودداری می کنیم و به چند مورد فهرست وار اشاره می کنیم:

- سوره ی مبارکه ی حجر / ۲۲

- سوره ی مبارکه ی حجر / ۱۹

- سوره ی مبارکه ی نیا / ۷

- سوره ی مبارکه ی نمل / ۸۸

زننویس

۱. رک: تفسیر کبیر فخررازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴.

منابع

۱. جعفری، یعقوب. پیش تاریخ قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. بی تا.
۲. حمصی، نعیم. فکرة اعجاز القرآن منذ البعثة النبویه حتى عصرنا الحاضر. مؤسسة الرسالة. بیروت. ۱۴۰۰.
۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل. معجم مفردات الفاظ قرآن. دارالکتب العربی بیروت. ۱۳۹۲. هـ. ق.
۴. زمخشری، جارالله محمد بن عمر. کشاف. دارالکتب العربی بیروت. ۱۴۱۶. هـ. ق.
۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. الاتقان فی علوم القرآن. انتشارات رضی. بی جا.
۶. شورای نویسندگان. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. تهران. ۱۳۶۷. هـ. ش.
۷. طباه، عبدالفتاح. یهود از نظر قرآن. ترجمه ی علی منتظمی. انتشارات بعثت. تهران. بی تا.
۸. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن: ترجمه ی محمدباقر موسوی همدانی. تهران. دفتر انتشارات اسلامی. تهران. ۱۳۶۴. هـ. ش.
۹. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۱۲. هـ. ق.
۱۰. معرفت، محمدهادی. التمهید فی علوم القرآن. چاپ اول. مؤسسه نشر اسلامی. قم. بی تا.
۱۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. البیان فی تفسیر القرآن. کعبه. تهران. ۱۳۶۴.
۱۲. مهدوی راد، محمدعلی. مجله ی قرآنی نیات. مؤسسه ی معارف اسلامی امام رضا (ع). قم. سال دوم. پاییز ۷۴. شماره ی ۳.
۱۳. مهدوی راد، محمدعلی. جزوه ی اعجاز قرآن. دانشگاه تربیت مدرس. بهمن ۱۳۷۵. هـ. ش.
۱۴. نورسی، سعید. ذوالفقار، مجموعه المعجزات المعجذیه و القرآنیه. دارابن زیدون. بیروت. ۱۳۷۹. هـ. ق.
۱۵. یحیی، هارون. معجزات قرآن. ترجمه ی علیرضا عیاری. منادی تربیت. تهران. چاپ ششم. ۱۳۸۴.